

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شباهنگ راد

۰۲ اکتوبر ۲۰۱۲

کدام چپ و کدام سازمان؟

(در حایشه نوشته یدی شیشوانی)

هیچگونه مخالفتی در این که رژیم جمهوری اسلامی زندگی مردم و اقتصاد مملکت را به باد داده است، نیست. اوضاع اقتصادی ایران تحت هدایت سران حکومت بسیار وخیم است و به تبع آن‌ها در درون نظام هم بر سر چپاول و غارت اموال عمومی دعواست. آجری بر روی آجر دیگر بند نیست و با یک تلنجر سازمان یافته صحیح و اصولی، به نفع انقلاب و جامعه فرو خواهد ریخت. فضا بسیار آغشته و تنش زاست و مردم در تهیه ابتدائی ترین نیازهای اولیه زندگی خویش باز مانده اند و چند شغلی هم دیگر پاسخگو نیست. عدم پرداخت حقوق کارگران از مرز ۳۲ ماه گذشته است و زمزمه کاهش حقوق ۵۰ درصدی کارمندان هم به دلیل سیاست‌های چپاول گرایانه دولت به گوش می‌رسد. علاوه بر این‌ها چند سالی است که فضای جنگ و حمله بر جامعه ایران سایه انداخته است و سران حکومت هم به بهانه‌های متفاوت بر تعرض وحشیانه خویش می‌افزایند. این یک طرف قضیه است، یعنی دنیا و جامعه ایران برای میلیون‌ها کارگر و زحمتکش تنگ شده است و صدای همه در آمده است. تجمعات و اعتراضات، ۹۹ درصدی شده است، و ۱ درصد از آحاد جامعه به یمن زور و سلاح، بر میلیاردها انسان محروم حکمروائی می‌کند.

و اما طرف دوم قضیه به اپوزیسیون، و به چپ بر می‌گردد. در حقیقت اگر طرف اول غرق در بحران و ناتوان در اداره حکومتی است، اوضاع طرف دوم هم تعریف چندان ندارد و در حال و هوای درونی خویش است و مشغول کلنجار رفتن با امیال و آرزوهای درونی‌اش می‌باشد.

توهمی در آن نیست که راست علی‌رغم بحران می‌تازد و نقشه‌های ارتجاعی و جنگی خویش را به این جامعه و به آن جامعه تحمیل می‌کند. به این دلیل که اپوزیسیون و چپ، سر در گم، بی وظیفه و بی‌تحرک است. متأسفانه نه دنیا نظاره‌گر پیشرفت و عکس‌العمل‌های به جای مدافعان حقوق مردمی در قبال تعرضات بی در و پیکر سرمایه‌داران بین‌المللی است و نه جامعه ایران، شاهد جنب و جوش حامیان حقیقی کارگران و زحمت‌کشان می‌باشد. حضوری نیست و در عوض غلو و اغراق، اتهام‌زنی و بی‌پرنسیبی و شانه خالی کردن از زیر باز مسؤلیت جریانی و سازمانی به وفور یافت می‌شود. به عنوان نمونه همین چند روز قبل نوشته‌ای از جانب "یدی شیشوانی" در سطح

اینترنت تحت عنوان «تحریم اقتصادی و شورش‌های اجتماعی» منتشر گردید که به راستی نه قابل تعمق بلکه سؤال بر انگیز و قابل توضیح است.

وی در این نوشته علی‌رغم بر شماری صحیح بعضاً اوضاع وخیم اقتصادی جامعه ایران، اشاراتی به این موضوع داشت مبنی بر این‌که: "... آیا نیروهای انقلابی موجود، افراد و شخصیت‌های انقلابی و کمونیست، کارگران پیشرو و رهبران عملی جنبش کارگری و کلیه فعالین جنبش‌های اجتماعی در داخل و خارج از کشور اوضاع حساس کنونی را در خواهند یافت؟ و از خواب سنگین و طولانی‌مدت روزمرگی و وقایع ریز و درشت، اجتماعی، سیاسی و محیط زیستی سی سال گذشته بر دور آن‌ها تنیده شده است، به در خواهند آمد و این واقعیت را در نظر خواهند گرفت که تنوری‌ها بدون عمل کاغذ پاره‌ای بیش نیست؟"

مخالفتی در اشاره چندین باره ای درد مزمن سازمان‌ها و احزاب مدعی رهبری طبقه کارگر نیست و به تجربه دریافته شده است که تأکید هزار باره آن هم، هیچ اثری بر قبول واقعیات و یا بر تغییر روند نگاه‌ها و کارکردهای تاکنونی آنان نخواهد گذاشت. به این دلیل که، هویت و تغذیه فکری و درونی‌شان را با تحریف حقایق خودی - سازمانی می‌جویند. مطمئناً این جمع‌بند خوشایند مذاق آنان نیست ولی به جرأت می‌توان آن را به‌عنوان یک واقعیت تلخ و تأسفبار در برابر جامعه و حقیقت‌جویان قرار داد و همچنین و به دنباله آن تأکید ورزید که کتمان آن چیزی جز پشت پا زدن علنی، به نقش و وظایف کمونیست‌ها و دخالت‌گری مستقیم آنان در تغییر روند مبارزه طبقاتی به نفع محروم‌ترین اقشار جامعه نیست. با طرح و با قبول چنین پیش‌فرض‌های روشنی و با مطالعه نوشته "یدی شیشوانی" این سوالات در ذهن‌ها نقش می‌بندد که آیا وی "سازمان" خود را هم، در این ردیف به حساب می‌آورد و بر این باور است که "سازمان اتحاد فدائیان کمونیست" به‌مانند دیگر سازمان‌ها و احزاب، در خواب عمیق فرو رفته است و تنوری‌هایش کاغذ پاره‌ای بیش نیست؟"

شک و تردیدی ندارم که منظور و خطاب "یدی شیشوانی" نه به خود و نه به "سازمان"ش بلکه به دیگر جریان‌ها و احزاب موجود خارج از کشوری است. البته که وی در این‌میان روشن نساخته است که منظورش، کدام سازمان و حزب می‌باشد و همچنین روشن نساخته است که آیا تفاوتی است مابین افراد بدون تعلق تشکیلاتی با سازمان و حزب مدعی کسب قدرت سیاسی؟

بر این نظرم که وظیفه و بار مسؤلیت عنصر بدون تعلق تشکیلاتی با وظیفه و مسؤلیت عنصر و کادر سازمانی و حزبی از زمین تا آسمان است. انتظارات و توقعات یکسان نیست و مهمتر از همه این‌ها و به درست، نگاه مردم هم نسبت به سازمان‌ها و افراد، برابر گونه نیست. به هر حال جدا از درستی و یا نادرستی نگاه مردم به افراد و جریان‌ها، این موضوع طرح است که "یدی شیشوانی" موقعیت "سازمانی" خود را چگونه ارزیابی می‌کند و مازاد بر این‌ها، آیا "سازمان فدائیان اتحاد کمونیست" را علی‌رغم داشتن "کمیته"های متفاوتی همچون "کمیته کردستان"، "کمیته تهران"، "کمیته کرج" و "کمیته آذربایجان"، در جرگه دیگر به خواب رفتگان سازمانی - حزبی قرار می‌دهد و به دنباله آن بر این نظر است که "سازمان"ش بی‌عمل می‌باشد؟

با این اوصاف و کاملاً واضح است که "یدی شیشوانی" سازمان خود را، هم‌ردیف با دیگر سازمان‌ها و احزاب خارج از کشوری نمی‌داند!! به چند دلیل ساده. اول این‌که، اگر وی بر این عقیده است که "سازمان اتحاد فدائیان کمونیست" هم در خواب سنگین و طولانی فرو رفته است، لازم می‌بود تا نگاه دیگری نسبت به تجمع چند نفره خود می‌داشت و بعد از آن می‌بایست تلاش می‌ورزید تا قبل از چیدن هر برنامه و علم نمودن "کمیته"های متفاوت و آن‌هم

در چهار گوشه ایران، سازمان خود را بیدار نماید و همچنین از شکل و فرمی سخن به میان می‌آورد که با قد و قواره و با حوزه‌های انتخابی فعالیت‌اش، همخوانی داشته باشد. دوّم این‌که نمی‌تواند صحیح باشد تا سازمانی که بساط فعالیت خود را در "کردستان"، "تهران"، "آذربایجان"، "کرج" و غیره پهن نموده است را به حساب سازمان در خواب فرو رفته نوشت و اعلام نمود که تئوری‌اش منطبق با عمل نیست. سوّم این‌که و مهمتر از همه این‌ها چرا "یدی شیشوانی" و "سازمان"ش در این سی ساله، دست اتحاد به سوی سازمان‌ها و احزابی دراز نموده‌اند که در خواب سنگین فرو رفته‌اند که آخرین آن، جمع‌وجور کردن ۲۵ "سازمان"، "حزب"، کمیته و هسته و غیره در «کلن» می‌باشد!!

بی‌پرده بگویم و مضافاً آنچه از شواهد و قرائن پیداست، این است که "یدی شیشوانی" از همان ابتداء و به‌مانند دیگر سازمان‌ها و احزاب خشت را بد چیده است و با طرح انتقاد حقیقی و واقعی از اوضاع چپ ایران و با مظلوم‌نمائی در صدد است تا حساب خود و "سازمان"ش را از مابقی جدا نماید. وی قلباً بر این باور است که "سازمان"ش نه تنها بیدار، بلکه هوشیار و خلاق هم می‌باشد و خلاف دیگر احزاب و سازمان‌ها با "کمیته‌های متفاوتش بخشاً جنبش‌های اعتراضی را راهنمائی و هدایت می‌کند!! اگر چه وی با صراحت و با روشنی تمام اعلام ننموده است که کدام سازمان‌ها و احزاب به خواب سنگین و طولانی فرو رفته‌اند؟ اگر چه آشنا نیستیم که دلایل وی پیرامون رکودی و خمودگی چندین دهه سازمان‌ها و احزاب در چیست و همچنین معین نساخته است که چگونه "سازمان"ش می‌خواهد در این دوره از تاریخ، با همکاری جریان‌ات، کمیته‌ها و هسته‌های مُرده، نیمه‌جان و بی‌عمل، پرچم جامعه سوسیالیستی را در سرتاسر ایران برافرازد؟! به هر حال از این دست سوالات، فراوان‌اند و ما پاسخ همه آن‌ها را بر عهده سازمان و کسانی می‌گذاریم که مبلغ و مروج و همچنین مدافع چنین سیاست سر در گم و نافرجام‌اند.

حقیقتاً که اگر نخواهیم بگوئیم سی سال و اندی، ولی و به جرأت می‌توان گفت که بیش از دو دهه است که چپ ایران – و آن‌هم با هر نوع نگرش و باوری –، در خارج از کشور لنگر انداخته و در انتظار از نوع رخداد‌های دیگر کشورهای منطقه خاورمیانه نشسته است تا در فردای بعد از "انقلاب"، بر وظایف کمونیستی خویش جامه عمل ببوشاند!! نشان‌ها و پراتیک تاکتونی‌شان حکایت از این ایده می‌کند که قصدشان بسیج کارگران و دیگر توده‌های ستمدیده نیست و همچنین مدافع کنترل و راه‌اندازی انقلاب از راه دور می‌باشند. مبالغه‌گو و خوش خیال‌اند و با چنین آرزوهای واهی، بر فعالیت‌های بی‌ثمرشان رنگ و جلاء می‌بخشند، بدون این‌که بخواهند به خود بقبولانند و نشان دهند که در هیچ برهه‌ای از تاریخ مبارزات کارگران و زحمت‌کشان، ما شاهد رخداد‌های بنیادی بدون دخالت‌گری مستقیم نیروهای کمونیستی و آن‌هم به نفع محروم‌ترین اقشار جامعه نبودیم. تک نمونه‌ها هم موجود نیست و بنابراین سازمان‌ها و احزاب ایرانی هم نمی‌توانند، پی‌گیر و خالق چنین حوادث مهم و تحول‌آوری باشند.

در حقیقت جامعه و آرمان کمونیستی، توقع و خواسته‌های دیگری از مدافعان مطالبات کارگران و زحمت‌کشان دارد. به اثبات رسیده است که طرح آرزوها و چیدن پلاتفرم‌های رنگارنگ و همچنین اتحاد‌های بدون پشتوانه‌های عملی کاربُردی ندارد و خسران‌زاست. جامعه و انقلاب ایران، نیاز به صراحت لهجه اپوزیسیون و نیاز به بیان حقایق حتی ناگوار، از جانب مدافعینش دارد. پیش‌رفت و صیقل‌یابی هر جامعه و انقلابی با فعالیت سر راست و بی‌شیله پبله اپوزیسیون آن رقم می‌خورد. با برنامه، اهداف و سازماندهی کمونیستی و با دخالت‌گری‌ها گره خورده است و اغراق و مبالغه‌گویی هم، در مسیر تخریب و پس‌روی‌هاست. متأسفانه از قرائن این‌گونه پیداست که سازمان متعلق

به "یدی شیشوانی" هم فراتر از اندازه و قد و قواره خود برنامه می‌چیند و معرف ناصحیح تجمع چند نفره بدون حضور خود می‌باشد؛ از حضوری حرف می‌زند که نماد و فعالیت عملی آن‌ها ناپیداست؛ خواننده و دیده‌ایم که در عالم سیاست، می‌بایست نماد عملی ارگان‌ها و "کمیته"های سازمانی ردیف شده را دید؛ عکس‌العمل‌های آن‌ها را می‌بایست در تقابل با ارگان‌های سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی مشاهده نمود و عملاً نشان داد که تفاوت است مابین اپوزیسیون بدون ارگان‌ها و کمیته‌های داخل، با سازمان دارای هسته‌ها و "کمیته"های محلی و منطقه‌ای!!

بی‌پرده بگویم و بنابه اسناد نوشتاری، "یدی شیشوانی" و "سازمان"ش هم بیدار نیستند و به‌مانند دیگر جریان‌های خود را به خواب زده‌اند. شکی در آن نیست که تغییر اوضاع چپ کنونی با نگاه واقع‌بینانه ممکن‌پذیر بوده و بدون برخورد جدی و بدون به نقد کشیدن واقعیات درونی خودی و همچنین رد طرح‌ها و برنامه‌های نافرجام تاکتونی، نمی‌توان سخنی از پیشرفت و اتحاد به‌میان آورد. نیاز به تکاندن خودی است و بدون خاکروبی جدی و عملی درونی، نمی‌توان تن غبارآلود چپ را پاک نمود. مضافاً این‌که هیچ کمونیستی قادر به هضم این موضوع نیست که چگونه می‌توان امر انقلاب را با همکاری و همپاری جریان‌ها و سازمان‌های در خواب فرو رفته پی گرفت؟

به هر حال لازم و صلاح است تا مجال دیگری به "یدی شیشوانی" و "سازمان"ش داده شود تا هم مواضع شان را بدون کمترین معذوریت‌های سیاسی - شخصی و بده و بستان‌های حقیر با این و یا با آن، اعلان نمایند و هم جایگاه "سازمان اتحاد فدائیان کمونیست" را با صراحت هر چه بیشتری بر شمارند و تکلیف "کمیته"ها و جایگاه عمل‌شان را روشن سازند.

البته که ناگفته نماند کسی باور و گفته‌های "یدی شیشوانی" و "سازمان"ش را اصلاً و ابداً جدی نمی‌گیرد. چرا که می‌دانند نه گفته‌ها و نه "کمیته"های‌شان، جنبه حقیقی و بار عملی دارند و نه حتی به درد مصرف داخلی خواهند خورد. دلیل آن روشن است، چون بی‌آلایش و سر راست سخن نمی‌گویند و آدرس درست به خواننده نمی‌دهند و کمیته‌تراشی‌های بی‌مایه و بی‌خاصیت می‌کنند و به نادرست "سازمان"شان را به‌عنوان یگانه "سازمان"، "بیدار" و "هوشیار" به بیرون معرفی می‌کنند!!

خلاصه این‌که خلاف ارائه تصویر به نادرست و ترسیم شده "سازمان اتحاد فدائیان کمونیست"، لازم است تا یکبار دیگر تأکید نمود که سازمان متعلق به "یدی" هم در خواب عمیق فرو رفته است و بی‌جهت کالای خود را مرغوب‌تر از دیگر کالاها به‌نمایش می‌گذارد. بر این باور درونی‌ام که نه تنها مدت‌هاست تاریخ مصرف همه سازمان‌ها و احزاب خارج از کشوری به سر رسیده است، بلکه محتوای تعریف شده از جانب آنان، آزار دهنده و تخریب کننده اعمال آن سازمان‌های عمل‌گرا و رزمنده‌ایست که در گرگ‌های تاریخی پس نکشیدند و راه مبارزه و برخورد عملی با ارگان‌های سرکوبگر نظام‌های امپریالیستی را در پیش گرفتند؛ نه تنها می‌توان حدس زد بلکه گواه تاریخ هم بر آن است که تفاوت بسیار زیادی است مابین باوری عملی و برخورد سازمان‌های فعال دوران گذشته با سازمان‌ها و احزاب امروزی.

به این دلیل روشن که ما عملاً دو منطق و دو سبک کار کاملاً مجزا از هم را مشاهده می‌کنیم. منطق تعرض در مقابل ارگان‌های سرکوبگر نظام و بردباری در قبال مخالفان درونی جنبش‌های کارگری - توده‌نی، و دیگری منطق عقب‌نشینی دائم و خود محوربینی و سرکوب و تخریب مخالفان درونی. متأسفانه دهه‌هاست که منطق تخریب و سبک کار ناصحیح و غیر پیش‌رونده، بر جنبش کمونیستی ایران سایه انداخته است و همچنان، در همان روند به پیش می‌رود. آن یکی در پی خانه تکانی و گردگیری، گند و کثافات جنبش کمونیستی بود و این یکی، به دنبال آلوده نمودن هر چه بیشتر، بر تن بی‌رمق و بی‌ثمر جنبش کمونیستی است. نمی‌توان و جایز نیست تا سال‌ها و سال‌ها، و

دهه‌ها و دهه‌ها، با به رسم کشیدن "گارد"ها و "کمیته"های بی‌خاصیت و بی‌بو، جامعه و نسل جوان امروزی را نسبت به دخالت‌گری‌های حقیقی کمونیستی گمراه نمود؛ نمی‌توان و جایز نیست تا معانی بنیادی ارتباط با جنبش‌های اعتراضی کارگری - توده‌ئی و همچنین انجام وظایف کمونیستی را با تمایلات حقیر خود تعریف نمود و بر نام خود، سازمان کمونیستی گذاشت؛ نمی‌توان سیاست دافعه را به‌عنوان سیاست روتین و روزمره خود انتخاب نمود و در همان حال در فکر جذب، بسیج و تجمع وسیع‌تر بود؛ نمی‌توان از توضیح حقایق درونی خود به جامعه و مردم سر باز زد و در همان حال در انتظار پاسخ مثبت آنان نشست. چنین خواست و کاری محال و خود فریبی‌ست.

با هم اتفاقات چند دهه اخیر را یکبار دیگر و آن‌هم به طور خلاصه مرور کنیم و ببینیم که چه بر سر عراق، افغانستان، لیبیا، مصر و غیره و همچنین سوریه در سر صف، آمده است. دیده و خوانده‌ایم که چگونه قدرت‌مداران جهانی بحران گریبان‌گیرشان را با به راه‌اندازی جنگ‌های محلی و منطقه‌ئی پاسخ می‌دهند. مشاهده نموده‌ایم که چگونه عنصر و اپوزیسیون دست‌سازشان را به مردم و جامعه تحمیل می‌نمایند تا مبادا روز و روزگاری، لطمه‌ای به منفعت‌شان وارد گردد. به موازات آن هم مشاهده می‌کنیم که چگونه چپ بر تأثیرگذاری چنین روندی‌هایی کمترین نقشی ندارد و ناموفق است. چرا که حضور ندارد و قصدش بُرش کمونیستی و راه‌اندازی انقلاب نیست. مگر بی دلیل است که نگاه مردم به اپوزیسیون دولتی و دست‌ساز قدرت‌مداران جهانی دوخته شده است؟ چرا که سازمان‌های چپ در هم ریخته و بی عمل‌اند و نه تنها در خواب فرو رفته‌اند بلکه خود را به خواب زده‌اند. پر واضح است که با چنین اوضاع و احوالی و با چنین موقعیتی که چپ ایران برای خود به وجود آورده است، جامعه ایران - و علی‌رغم ادعاهای بی‌پایه این سازمان و آن حزب مبنی بر این‌که با دیگر جوامع "تغییر" یافته تاکنونی متفاوت می‌باشد -، روی خوشی و سلامتی، و همچنین روی سازندگی و بهبودی و رهائی را نخواهد دید.

۳۰ سپتامبر ۲۰۱۲

۹ مهر ۱۳۹۱

لینک مطلب

http://fedayi.org/sub/kare/index.php?option=com_content&task=view&id=6662&Itemid